

## Patterns and Trends of Qatar's Foreign Policy and Its Impact on Iran (2011-2023)

Hassan Kabiri\* 

PhD Candidate of International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran,  
H.kabiri1392@gmail.com

Ali Adami 

Associate Professor of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh  
Tabataba'i University, Tehran, Iran, aliadami2002@yahoo.com

### Abstract

**Purpose:** This article examines the patterns and trends of Qatar's foreign policy and its impact on Iran. And it is trying to answer the question: What are the most important models of Qatar's foreign policy and its effect on relations with Iran?

**Method:** The research method in this article is descriptive-analytical, and the library method and the study of sites were mainly used to collect information.

**Findings:** During the last decade, Qatar has emerged as an active actor in the Middle East and North Africa region. Based on the findings of this research, Qatar has tried to adopt four models, which are: emphasis on Islamic identity and media diplomacy. In the Islamic world, compliance with global capitalism and economic interdependence, paying attention to the structure of the international system (security, defense, and scientific-educational), intelligent balance, and active mediation. On the other hand, these policies have caused Iran to review its relations with Qatar when necessary.

**Conclusion:** Qatar's foreign policy has seen significant changes from 2011 to 2023, which have had significant effects on the country's relations with Iran. This period of time includes events such as the Arab Spring, the diplomatic crisis in the Persian Gulf, and changes in regional and international policies that have played an important role in the formation and evolution of relations between the two countries. Independence, soft diplomacy, and strategic investments have been among the important patterns of Qatar's foreign policy that have helped to strengthen the country's relations with Iran. However, regional crises and changes in international politics have also created challenges for these relations. In general, Qatar's foreign policies in this period have been able to maintain a complex balance in relations with Iran and exploit these relations as a tool to increase its regional influence.

**Key Words:** Qatar, Foreign Policy Patterns, Capitalism, Smart Balance, Active Mediation, Iran.

**Article type:** Research

\* Received on 20 January, 2024 Accepted on 12 May, 2024

**Cite this article:** Kabiri & Adami (2024) Patterns and Trends of Qatar's Foreign Policy and Its Impact on Iran (2011-2023), Fall 2024, Vol.13, NO.3, 75-97.

**DOI:** 10.30479/psiw.2024.19843.3304


© The Author(s).




**Publisher:** Imam Khomeini International University.

**Corresponding Author:** Hassan Kabiri (H.kabiri1392@gmail.com)

## الگوها و روندهای سیاست خارجی قطر و تأثیر آن در رابطه با ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۳)

حسن کبیری \* 

H.kabiri1392@gmail.com، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

علی آدمی 

دانشیار روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. aliadami2002@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** این مقاله بررسی الگوها و روندهای سیاست خارجی قطر و تأثیر آن در رابطه با ایران است. و تلاش دارد تا به این سؤال پاسخ دهد که مهم‌ترین الگوهای سیاست خارجی قطر و تأثیر آن بر روابط با ایران چیست؟  
**روش:** روش پژوهش در این مقاله تبیینی - تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات نیز عمدتاً از روش کتابخانه‌ای و مطالعه سایت‌ها استفاده شده است.

**یافته‌ها:** قطر در طول دهه گذشته به عنوان یک بازیگر فعال در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا ظهور کرده است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، قطر سعی نموده چهار الگو را در پیش بگیرد که عبارتند از: تأکید بر هویت اسلامی و دیپلماسی رسانه‌ای در جهان اسلام، تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی، توجه به ساختار نظام بین‌الملل (امنیتی-دفاعی و علمی-آموزشی)، موازنه هوشمند و میانجیگری فعال. از سوی دیگر این سیاست‌ها موجب شده است تا ایران نیز در مواقع لزوم مطابق با آن‌ها روابط خود با قطر را بررسی نماید.

**نتیجه‌گیری:** سیاست خارجی قطر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۳ شاهد تحولات چشمگیری بوده است که تأثیرات قابل توجهی بر روابط این کشور با ایران داشته است. این دوره زمانی شامل رویدادهایی همچون بهار عربی، بحران دیپلماتیک خلیج فارس و تغییرات در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که نقش مهمی در شکل‌گیری و تحول روابط دو کشور ایفا کرده‌اند. استقلال‌طلبی، دیپلماسی نرم، و سرمایه‌گذاری‌های استراتژیک از جمله الگوهای مهم سیاست خارجی قطر بوده‌اند که به تقویت روابط این کشور با ایران کمک کرده‌اند. با این حال، بحران‌های منطقه‌ای و تغییرات در سیاست‌های بین‌المللی نیز چالش‌هایی برای این روابط ایجاد کرده‌اند. در مجموع، سیاست‌های خارجی قطر در این دوره توانسته‌اند تعادل پیچیده‌ای را در روابط با ایران حفظ کنند و از این روابط به عنوان ابزاری برای افزایش نفوذ منطقه‌ای خود بهره‌برداری کنند.

**واژگان کلیدی:** قطر، الگوهای سیاست خارجی، سرمایه‌داری، موازنه هوشمند، میانجیگری فعال، ایران.

**نوع مقاله:** پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۲/۲۳

استناد: کبیری و آدمی (۱۴۰۳)، الگوها و روندهای سیاست خارجی قطر و تأثیر آن در رابطه با ایران (۲۰۱۱-۲۰۲۳)،

پاییز ۱۴۰۳، دوره ۱۳، شماره ۳، پیاپی ۵۱: ۷۵-۹۷.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

## مقدمه

دولت قطر، یک پادشاهی کوچک عربی در خلیج فارس است که از منابع مالی فراوان خود برای اعمال نفوذ منطقه‌ای استفاده می‌کند که اغلب مستقل از دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس است (GCC). در اواسط سال ۱۹۷۱، هنگامی که مهلت پیمان با بریتانیا به پایان رسید، ۹ شیخ‌نشین هنوز بر سر شروط تشکیل اتحادیه به توافق نرسیدند و بدین خاطر قطر در سوم سپتامبر ۱۹۷۱ (۱۲ شهریور ۱۳۵۰) استقلال خود را اعلام کرد. در ژوئن ۱۹۹۵ ولیعهد قطر «حمد بن خلیفه<sup>۱</sup>» در یک کودتای بدون خونریزی پدر خود «خلیفه بن حمد آل ثانی<sup>۲</sup>» را از قدرت برکنار کرده و به جای او نشست (Prasanta, 2017: 244-245). از سال ۲۰۱۳ «تمیم بن حمد بن خلیفه آل ثانی<sup>۳</sup>» جانشین پدر خود شد. او همچون پدرش در بریتانیا تحصیل کرده است. برنامه بلندمدت جهت پیشرفت و توسعه این کشور اغلب در دوره این پادشاه صورت پذیرفته است؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به برگزاری جام جهانی ۲۰۲۲ اشاره کرد.

این دولت کوچک با جمعیت اندک و بدون نیروی نظامی قادر به جلوگیری از خطرات امنیتی نبوده است از این رو، امیر خلیفه آل ثانی، اولین حاکم قطر در اتحاد و وابسته به عربستان باقی ماند. هم‌زمان با ظهور این دولت، دو مشخصه مهم نیز شکل گرفت؛ کشف میدان‌های گاز و نفت و راه‌اندازی کانال الجزیره. امیر حمد<sup>۴</sup> از زمان به قدرت رسیدن، نقش برجسته‌ای در شکل دادن به سیاست خارجی دولت ایفا کرده است. او پس از کودتای نرم علیه پدرش در سال ۱۹۹۵ به حکومت رسید (Naier, 2021:43).

دولت قطر از دوران ظهور به سمت ساخت برند ملی و سپس کنترل و نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی حرکت کرده است. از این رو، منابع و ابزارها بین دیپلماسی میانجی‌گری، راه‌اندازی بسترهای رسانه‌ای مانند شبکه الجزیره و اتحاد با اسلام‌گرایان (اخوان المسلمین) تغییر کرده است. کشورهایمانند عربستان سعودی و امارات از گسترش نفوذ و سیاست خارجی قطر فراتر نرفته‌اند. در این میان مبارزه علیه هژمونی عربستان با قدرت گرفتن امیر حمد وارد مرحله پیچیده‌تری شد؛ زمانی که سیاست قطر چرخش جدیدی به سوی نفوذ و قدرت بیشتر داشته است. این فرصت ایجاد شد تا با تغییرات در محیط سیاسی پس از بیداری اسلامی، نقش فعال‌تر و گسترده‌تری ایفا کند. یکی از مهم‌ترین علل اختلاف را باید در حمایت از محمد مرسی<sup>۵</sup> دانست که عربستان، امارات متحده عربی و مصر، یک محور را تشکیل دادند. شکاف بین این محور و

- 1.Hamad bin Khalifa
- 2.Khalifa bin Hamad Al Thani
- 3.Tamim bin Hamad Al Thani
- 4.Hamad bin Khalifa
- 5.Mohamed Morsi

قطر بیشتر شد و درگیری‌های سیاسی و رقابت به یک رویارویی آشکار در همه مسائل تبدیل شد (Sadiki & Saleh, 2020: 4).

اهمیت این پژوهش نیز بیشتر به دلیل جایگاه قطر در منطقه و نظام بین‌الملل و درجه اهمیت آن برای ایران است. چنانچه در سال‌های گذشته توانسته به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بازیگران منطقه نقش‌آفرینی کند. سؤال پژوهش؛ الگوها و روندهای سیاست خارجی قطر چیست و چه تأثیری در روابط آن با ایران دارد؟ فرضیه پژوهش؛ بر اساس یافته‌های این پژوهش فرض بر آن است، قطر سعی نموده چهار الگو را در پیش بگیرد که عبارت‌اند از: تأکید بر هویت اسلامی و دیپلماسی رسانه‌ای در جهان اسلام، تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی، توجه به ساختار نظام بین‌الملل (امنیتی-دفاعی و علمی-آموزشی)، موازنه هوشمند و میانجیگری فعال. از سوی دیگر این سیاست‌ها موجب شده است تا ایران نیز در برخی از زمان مطابق با آن‌ها روابط خود با قطر را بررسی نماید.

### پیشینه پژوهش

- یکی از مقالاتی که در حوزه قطر در سال ۱۳۹۴ به چاپ رسیده است مقاله‌ای با عنوان «نقش شبکه الجزیره در دیپلماسی رسانه‌ای قطر» که به نگارش وحید رنجبر حیدری، محمدرضا فرجی و ابراهیم جمشیدی است. در این پژوهش سعی شده است نقش کامل الجزیره را در سال‌های گذشته نمایش دهد. این نقش تا سال‌های ابتدایی جنگ میان سوریه را بررسی کرده است و از سوی دیگر توانسته نقش این شبکه را در رخداد‌های ۲۰۱۱ جهان عرب نشان دهد.

- مقاله‌ی دیگری در سال ۱۳۹۶ با عنوان «بررسی روابط سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)» در فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، به قلم عبدالرضا عالیشاهی، حسین مسعودنیا و یونس فروزان به چاپ رسیده است. در این پژوهش سعی شده است تا روابط عربستان سعودی قطر را به دو حالت بیان کند. در حالت اول روابط متعادل و دوستانه و در حالت دوم به‌صورت خصمانه و گسست روابط. آنچه در این بین مشهود است نویسندگان به چند عامل که تأثیر مستقیم بر قطع روابط داشته اشاره کرده و بسیاری از عوامل فرهنگی، اقتصادی و روانی همچون تغییر حاکمان به‌طور کامل اشاره نکرده‌اند درحالی‌که از هر دو طرف مواردی همچون ترسیم الگوهای سیاست خارجی برای قطر در یک دوره بلندمدت و حضور اشخاص تأثیرگذار همچون بن سلمان در حاکمیت می‌توانست به غنای پژوهش بیفزاید.

- یکی از مقالاتی که در حوزه قطر و نوع ترکیب سیاست خارجی این کشور بیان شده است، مقاله‌ای با عنوان «تطور دیپلماسی در قطر: از بی‌طرفی محافظه‌کارانه تا نفوذ هوشمند» در سال ۱۳۹۴ به قلم بهنام سرخیل در فصلنامه تخصصی علوم سیاسی به چاپ رسیده است. در این مقاله سعی شده است به دو نگاه به سیاست خارجی قطر اشاره کند. از یک‌سو نگاه نفوذ

غیرمستقیم و میانجیگری این کشور در بحران‌ها و از سوی دیگر نگاه نفوذ هوشمند و حضور مستقیم در بحران‌هاست.

- همچنین برخی پژوهش‌ها به زبان انگلیسی به نگارش درآمده‌است. یکی از این پژوهش‌ها مقاله‌ای با عنوان «قطر و بهار عربی: تغییر در تصمیم‌گیری سیاست خارجی»<sup>۱</sup> که به قلم «محمد نورزمان»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۵ به رشته تحریر درآمده است. در این پژوهش ابتدا سعی بر آن است تا سیاست خارجی قطر بیان شود و بعدازآن تأثیر بهار عربی (بیداری اسلامی) بر سیاست خارجی قطر و واکنش این کشور را بدان موضوع شرح دهد. آنچه مسلم است بیشتر در این پژوهش نویسنده سعی دارد تا قطر را کشوری نشان دهد که حاکمان آن میل به تغییر در سیاست خارجی خود و گسترش روابط و نفوذ خود دارد، نشان دهند.

- یکی دیگر از این مقالات در حوزه قطر با عنوان «بازیگران، ساختارها و سیاست خارجی قطر»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۹ به قلم «مروان کابالان»<sup>۴</sup> نوشته شده است. در این پژوهش ابتدا سعی بر آن است تا بازیگران و ساختارهای حکومتی قطر را بیان کند و پس از آن رخدادهای پس از سال ۲۰۱۱ و اختلافات ایران و عربستان و همچنین روابط با مصر را بیان کند. در این پژوهش تأثیر موقعیت ژئوپلیتیکی قطر را در نوع تصمیم‌گیری‌ها به‌عنوان یک مؤلفه بسیار مهم نیز موردبررسی و ارزیابی قرار می‌دهد.

- ازجمله پژوهش‌هایی که در حوزه قطر صورت گرفته است می‌توان به مقاله‌ای با عنوان «محاسبه برنامه‌ریزی شده قطر بر سر اخوان المسلمین سوریه»<sup>۵</sup> که به قلم «هانلی بویسن»<sup>۶</sup> در سال ۲۰۲۰ در آمده است، اشاره کرد. در این مقاله سعی شده است تا موضع قطر را در ابتدا و انتهای جنگ سوریه نشان دهد. از یک سو قطر به دنبال حرکت همراه با کشورهای همچون عربستان سعودی بوده است اما در میانه راه نگرش آن تغییر کرده است. همچنین رویکرد قطر در رابطه با اخوان المسلمین نیز در این پژوهش بیان شده است و یکی از عوامل مهم اختلاف میان عربستان با این کشور مفروض واقع می‌شود.

## چهار چوب نظری

قدرت هوشمند که به استفاده راهبردی از قدرت سخت و قدرت نرم برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی اشاره دارد، اغلب در شرایطی که ترکیب پیچیده‌ای از پویایی قدرت در بازی وجود دارد، مؤثرتر است (Nye, 2004:35). به‌عنوان مثال، قدرت هوشمند ممکن است در ارتقای

1. Qatar and the Arab Spring: Down the Foreign Policy Slope
2. Mohammed Nuruzzaman
3. Actors, Structures and Qatari Foreign Policy
4. Marwan Kabalan
5. Qatar's Calculated Gamble on the Syrian Muslim Brotherhood
6. Hanlie Booyesen

صلح و ثبات در یک منطقه درگیری، یا در رسیدگی به چالش‌های جهانی مانند تغییرات آب و هوایی یا تروریسم مؤثر باشد.

قدرت هوشمند می‌تواند در شرایطی مؤثر باشد که استفاده از قدرت سخت به‌تنهایی ممکن است بسیار پرهزینه یا بی‌اثر باشد و استفاده از قدرت نرم به‌تنهایی برای دستیابی به نتایج مطلوب کافی نباشد. با استفاده از ترکیبی از ابزارهای نظامی، اقتصادی و فرهنگی، قدرت هوشمند می‌تواند رویکردی دقیق‌تر و مؤثرتر برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی ارائه دهد (Nye, 2011:135).

برای اولین بار مفهوم قدرت هوشمند توسط سوزان ناسل<sup>۱</sup> به معنای ترکیب هدفمند و خردمندانه قدرت سخت و نرم در مقابله با تهدیدات به‌کارگیری شد. به اعتقاد وی؛ «منابع اجباری و اقناعی شامل توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن تداوم برتری کشور را تضمین نماید» (Nossel, 2004:13). مهم‌ترین دلیل به‌کارگیری مفهوم قدرت هوشمند از سوی نای، ناکارآمدی و محدودیت به‌کارگیری قدرت سخت و نرم است. کار ویژه خاص هرکدام از این دو نوع موجب به وجود آمدن مشکلات بسیاری برای کشورها در راه کسب منافع خویش است. وی در خصوص ناکارآمدی قدرت سخت صرف می‌نویسد: «فرایند تبدیل قدرت از منابع به نتایج موردنظر، یک متغیر میانی تعیین‌کننده است. برخورداری از منابع قدرت، ضامن کسب نتایج دلخواه در همه شرایط نمی‌شود. لازمه تبدیل منابع به قدرت ملموس، به مفهوم کسب نتایج دلخواه، راهبردی بهینه و مدیریتی مدبرانه است به همین جهت من آن را قدرت هوشمند می‌دانم» (Nye, 2011: 30).

از سوی دیگر تحولات دوران جدید و عصر ارتباطات و فناوری‌های نوین و شبکه‌ای شدن ارتباطات در حوزه‌های عمومی و خصوصی، اعمال قدرت را با شیوه‌های نوین امکان‌پذیر نموده است؛ بنابراین در عصر جهانی موفقیت در مدیریت شبکه‌های عمومی و خصوصی، به استعداد، هوش محیطی و اشکال نوین قدرت وابسته است؛ قدرت هوشمند تحولی شگرف در موضوع قدرت است که مخاطبان اصلی آن شامل؛ دولت‌ها، نخبگان سیاسی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نهادهای حکومتی هست (Wilson, 2008: 111).

قدرت هوشمند سعی دارد تا ضعف‌های قدرت نرم و سخت را حذف نماید و از سوی دیگر نقاط قوت آن‌ها را نیز تقویت کند. به اعتقاد نای قدرت هوشمند تلفیق به‌کارگیری هر دو نوع قدرت سخت و نرم است و در سال‌های اخیر چین سعی نموده است از هر دو بهره‌گیری نماید و در مثالی از آن عنوان می‌دارد: «از قدرت نرم، چشم به قدرت هوشمند دوخته در پی القای مفهوم خیز آرام خود بود و در نتیجه جویای موازنه‌ای با قدرت رقیب» (Nye, 2011: 10). از نگاه وی

1. Suzanne Nossel

در قدرت هوشمند توانایی نظامی بازتعریف می‌شود. قدرت سخت با توانایی و قدرت نظامی همگام است، اما زمانی که قدرت سخت از طریق رویه‌های نرم به کار گرفته می‌شود، قدرت هوشمند تولید می‌نماید (Nye, 2004: 30). در واقع قدرت هوشمند ترکیبی است از قدرت سخت زور و تطمیع با قدرت نرم جذب و ترغیب.

قدرت هوشمند را نمی‌توان مرحله‌اعلای قدرت نرم قلمداد کرد. این قدرت ترکیبی از دو قدرت سخت و نرم و تبدیل آن به راهبردهایی برای شرایط جدید است. می‌توان عنوان کرد که قدرت هوشمند، قدرتی پایدار است؛ زیرا در ذات خود استفاده از ابزارهای قدرت سخت، ابزارهای قدرت نرم و همین‌طور هوشمندی همه‌جانبه‌نگر و در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی برای استفاده از آن را فراهم می‌کند. در جهان امروز زمینه‌های قدرت تا حد زیادی متفاوت از قدرت نظامی، اقتصادی و مسائل فراملی است، مسائلی چون تغییرات آب‌وهوایی، تروریسم فراملی و جهانگیر و مطرح‌شدن بعضی چالش‌هایی که امروز با آن مواجه هستیم و هنوز تعداد اندکی پذیرای راه‌حل‌های صرف نظامی هستند. از این‌رو تنها راه دست‌وپنجه نرم کردن با این مسائل از طریق مشارکت با دیگران بوده و نیز نیازمند قدرت هوشمند است که جاذبه قدرت نرم را با اجبار قدرت سخت ترکیب می‌کند (Nye, 2008: 135).

سیاست خارجی قطر در بین سال‌های مورد مطالعه این پژوهش (۲۰۱۱-۲۰۲۳) در کشاکش دو نوع دیدگاه به اجرا در آمده است. به گونه‌ای که بخشی از آن با توجه به راهکارهای رسانه‌ای و فرهنگی (قدرت نرم) پیاده‌سازی شده و بخشی دیگر از طریق مقوله‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی (قدرت سخت).

آنچه دولت قطر در جریان بیداری اسلامی و پس‌از آن سعی داشته در کشورهای منطقه پیاده‌سازی کند، از طریق رسانه مهم خود یعنی الجزیره بوده است. به طوری که بسیاری از دولت‌ها در برخی از زمان‌ها مجبور به بستن دفاتر آن در کشور خود شده‌اند. از سوی دیگر در حوزه قدرت نرم، قطر سعی داشته است از طریق برگزاری همایش‌ها، جام جهانی ۲۰۲۲، احداث دانشگاه‌های معروف و کنگره‌های بزرگ در کشور، فرهنگ خود را به جهانیان معرفی نماید. داشتن نفوذ گسترده از طریق سیاست خارجی قدرت نرم یکی از دلایل اصلی تحریک کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بوده است. تحریم قطر در سال ۲۰۱۷ شروع شد، زمانی که عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر محاصره زمینی دریایی و هوایی علیه این کشور را اعلام کردند (Naier, 2021:50).

## الگوها و روندهای سیاست خارجی قطر

### تأکید بر هویت اسلامی و دیپلماسی رسانه‌ای در جهان اسلام

ابزار رسانه‌ای سنگ بنای قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که رهبران قطر در دو دهه گذشته به‌طور پیوسته به این ابزار متوسل شده‌اند. شبکه الجزیره به‌عنوان مهم‌ترین ابزار رسانه‌ای در سال‌های گذشته در استراتژی قدرت نرم ظهور و بروز یافته است. این شبکه چند سالی است که تکامل یافته و نقش آن از یک کانال ساده به یک ابزار راهبردی بسیار تأثیرگذار تبدیل شده است. الجزیره موفق به ایجاد رویدادهای سیاسی شد و افکار عمومی کشورهای عربی را در بسیاری از مسائل تقویت کرده است. بدون شک، نقشی که در پوشش حوادث بهار عربی (بیداری اسلامی) ایفا کرد، تنش‌های ژئوپلیتیکی ایجاد نموده است. در این زمینه فضا را برای مخالفان عربستان سعودی و امارات باز گذاشت و اجازه انتقاد از سیاست‌های این کشورها را نیز داد (Abdul-Nabi, 2017: 8-9). دولت قطر مالک اصلی شبکه الجزیره است و بخش اصلی بودجه این شبکه رسانه‌ای را تأمین می‌کند که از زمان تأسیس در اواسط دهه ۱۹۹۰ به یک سازمان رسانه‌ای جهانی تبدیل شده است (McGann, 2020: 257).

پس از اختلافات داخلی و برکناری مرسى، عربستان سعودی و امارات متحده عربی از قطر درخواست کردند تا از رژیم السیسی در مصر حمایت کند و از دخالت در امور داخلی دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس خودداری نماید. به همین دلیل، از قطر خواسته شد تا پخش شبکه الجزیره را محدود کرده و اعضای اخوان المسلمین را از قطر اخراج کند. در نوامبر ۲۰۱۴، پس از جلسات متعدد شورای همکاری خلیج فارس، اختلاف بر اساس معاهدات اول و دوم ریاض (۲۰۱۳/۲۰۱۴) و یک توافق مخفیانه دیگر (۲۰۱۴) میان این کشورها برقرار شد. در این توافقنامه‌ها، قطر موافقت کرد تا شرایطی که از سوی شورای همکاری خلیج فارس در این توافقنامه بیان شده است را تأیید نماید. علاوه بر اخراج حدود ۳۰۰ نفر از اعضای اخوان المسلمین، قطر شاخه مصری الجزیره که مقر آن در دوحه بود را بست (i2.cdn.turner.com, 2019).

این شبکه طیف گسترده‌ای از مهمانان از سراسر منطقه که در مورد مسائل مختلف به بحث و گفتگو می‌پردازند را دعوت می‌کند. برخی اوقات رهبران عرب با بستن دفاتر الجزیره یا زندانی کردن روزنامه‌نگاران آن به پوشش انتقادی این شبکه واکنش نشان می‌دهند. امارات متحده عربی و دیگر کشورهای همسایه گاهی از الجزیره به دلیل فراهم آوردن بستری برای اخوان المسلمین، حماس و دیگر اسلام‌گرایان برای ترویج ایدئولوژی خود انتقاد می‌کنند (Katzman, 2021: 4). در سال ۲۰۱۱ هم‌زمان با بیداری اسلامی (بهار عربی) الجزیره به اوج شهرت خود رسید. این شبکه سعی کرد با نگاهی پوپولیستی با در دست داشتن دفاتر وسیع خود در کشورهای منطقه، رخدادهای انقلاب را پوشش دهد. پخش زنده تظاهرات در الجزیره عربی در تونس، مصر، یمن،



لیبی و سوریه به ایجاد روایتی متحد از بیداری اسلامی (بهار عربی) کمک کرد و مخاطبان هر جمعه برای تماشای اعتراضات هم‌زمان در سراسر خاورمیانه به تماشا نشستند. شبکه الجزیره انگلیسی-که در سال ۲۰۰۶ تأسیس شد-پوشش انتقادی این قیام را به جهان غیر عرب ارائه کرد (Malsin, 2017:16).

نفوذ الجزیره پس از راه‌اندازی شبکه‌های الجزیره انگلیسی، کانال‌های ورزشی الجزیره، کودکان الجزیره و مستند الجزیره افزایش یافت. علاوه بر این، الجزیره فعالیت‌های خود را در حوزه‌های مختلف دیگر گسترش داده است؛ چنانچه مانند شبکه‌های تلویزیونی سنتی، تمرکز خود را فقط بر تولید خبر نمی‌گذارد و فعالیت‌هایی مانند جشنواره‌های سالانه، مرکز آموزش الجزیره، مرکز حقوق بشر الجزیره، مرکز مطالعات الجزیره، آل جزیره نت و موارد دیگر را پیگیری می‌کند (Da Lage, 2019: 54-55).

همچنین این شبکه به موتور انقلاب‌ها و حامی اصلی دولت‌های روی کار آمده پس از بیداری اسلامی تبدیل شده است. شبکه الجزیره توانسته با مخاطبان ارتباط نزدیکی ایجاد کند و به شهرت خود در جهت ایجاد اعتماد با مخاطب افزوده است. این امر به قطر فرصتی برای گسترش و افزایش نفوذ خود در کشورهای محوری منطقه داده است؛ این موضوع یکی از مهم‌ترین دلایلی است که باعث درگیری با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس شده است. علیرغم تأثیر مثبت الجزیره و دستیابی به اهداف سیاست خارجی قطر، پیامدهای منفی روابط قطر با همسایگانش را نمی‌توان انکار کرد (Cherkaoui T. 2018: 135).

نکته دیگر اهمیت مسئله هویت برای این کشور در سند چشم‌انداز ۲۰۳۰ است؛ چنانچه در تمامی قسمت‌های آن تأکید بر هویت عربی و اسلامی در کنار توسعه و نگاه به آینده ذکر شده است. باوجود پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی و همچنین تغییر سیاسی، قطر ارزش‌های فرهنگی و سنتی خود را به‌عنوان یک ملت عربی و اسلامی حفظ کرده است که خانواده را ستون اصلی جامعه می‌داند (Qatar National Vision 2030, 2008: 3).

قطر به دنبال ایجاد یک جامعه امن و پایدار بر اساس نهادهای مهم و تأثیرگذار است. این کشور پیشرفت، خیرخواهی، گفتگو سازنده و باز بودن در برابر دیگر فرهنگ‌ها را در قالب هویت عرب و اسلامی‌اش، ارتقاء خواهد داد. علاوه بر این، شهروندان خود را با نیازهای اولیه هماهنگ می‌کنند و فرصت‌های برابر برای آن‌ها تضمین می‌شود (Qatar National Vision 2030, 2008: 17). مسلماً استراتژی قدرت نرم نقش تعیین‌کننده‌ای در ظهور قطر به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای بانفوذ داشت. افزایش نفوذ قطر در منطقه هم‌زمان با وقایع بیداری اسلامی بود. این رخداد فرصتی مناسب برای گسترش سیاست خارجی قدرت نرم فراهم کرده است (Hammond, 2014: 7-8).

## تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی

این کشور عضو گروه ویژه اقدام مالی خاورمیانه شمال آفریقا<sup>۱</sup> است، یک نهاد منطقه‌ای که تلاش‌هایی در جهت مبارزه با پول‌شویی و تروریسم فعالیت دارد. در فوریه ۲۰۱۷، قطر میزبان نشست «Egmont Group»<sup>۲</sup> متشکل از ۱۶۷ واحد اطلاعات مالی کشورها بوده است. قطر همچنین یکی از اعضای مرکز هدف‌گذاری تأمین مالی مبارزه با تروریسم<sup>۳</sup> است، این طرح ابتکاری است که از سوی ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۲۰۱۷ اعلام شده است و قطر در تعیین تروریست‌های وابسته به القاعده و داعش در سال ۲۰۱۷ به ایالات متحده و دیگر کشورهای این گروه پیوست (Katzman, 2021: 18).

بر اساس «آمار تجارت خارجی» دفتر سرشماری ایالات متحده در سال ۲۰۲۰، صادرات ایالات متحده به قطر حدود ۳٫۴ میلیارد دلار و واردات ایالات متحده از قطر حدود ۱٫۲ میلیارد دلار بوده است. صادرات ایالات متحده به قطر عمدتاً شامل هواپیما، ماشین‌آلات و فناوری اطلاعات است. واردات ایالات متحده از قطر عمدتاً شامل فرآورده‌های نفتی است، اما واردات نفت خام یا گاز طبیعی قطر در سال‌های اخیر به سطوح ناچیزی کاهش یافته است که نشان‌دهنده افزایش قابل‌توجه تولید داخلی ایالات متحده است. همچنین شرکت قطر پترولیوم<sup>۴</sup> یک سرمایه‌گذار عمده در بازارهای نوظهور LNG ایالات متحده است (Schreck, 2016:8). کاخ سفید پس از دیدار ترامپ<sup>۵</sup> و امیر تمیم در ۹ ژوئیه ۲۰۱۹ طی بیانیه‌ای اعلام کرد که شرکت صنایع شیمیایی شورون فیلیپس<sup>۶</sup> و شرکت قطر پترولیوم توافق کرده‌اند ایجاد مجتمع پتروشیمی در قطر در اوایل سال ۲۰۲۱ انجام پذیرد که تولید LNG را تا سال ۲۰۲۶ از طریق پروژه‌های توسعه میدان شمالی خود تا ۴۰ درصد افزایش می‌دهد (Jaganathan, 2021:17).

شرکت هواپیمایی قطر، خریدار عمده هواپیماهای تجاری ایالات متحده بوده است. برخی از خطوط هوایی ایالات متحده مزایای هواپیمایی قطر را تحت توافق‌نامه «آسمان باز» ایالات متحده و قطر به چالش کشیده‌اند. چراکه شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی مدعی هستند که امتیازات شرکت هواپیمایی قطر تحت آن توافق باید لغو شود زیرا خرید هواپیماهای این شرکت هواپیمایی از سوی دولت قطر است که از آن یارانه دریافت می‌کند و این مزیت موجب می‌شود رقابت ناعادلانه‌ای برای آن‌ها ایجاد کند. ایالات متحده و قطر در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۸ به مجموعه‌ای

### 1. MENAFATF

۲. این گروه بستری را در جهت تبادل اطلاعات مالی کشورها برای مبارزه با پول‌شویی فراهم می‌کند.

### 3. TFTC

### 4. Qatar petroleum

### 5. Trump

### 6. Chevron Phillips Chemical Company

از «تفاهم» در مورد هوانوردی غیرنظامی دست یافتند و هواپیمایی قطر را متعهد به شفافیت مالی کردند (Katzman, 2021: 20).

اگرچه برنامه کمک‌های خارجی در عصر حمد بن خلیفه آغاز شد، اما سیاست کمک‌های خارجی قطر<sup>۱</sup> با روی کار آمدن شیخ تمیم جایگاه مهمی را به خود اختصاص داد. استراتژی کمک‌های خارجی از نظر الگوها و بودجه به میزان قابل توجهی تکامل یافته است. در واقع، سیاست خارجی و استراتژی قدرت نرم دولت دچار تغییر اساسی شده است. از سیاست بی‌طرفی گرفته تا استراتژی بلندپروازانه‌تری که به دنبال نفوذ و کنترل است؛ بنابراین، QFAP نیز تغییر کرد، گسترش یافت و در نهادها، سازمان‌دهی و ساختار بیشتری پیدا کرد. تکامل آن هم‌زمان با افزایش چشمگیر نقش منطقه‌ای و جهانی قطر بود. قدرت نرم با ابزارهای متنوع خود بستری برای استراتژی جدید رهبری بوده است (Naier, 2021:46).

در عین حال، ایالات متحده موضع ظریف‌تری را اتخاذ نموده است و اتحاد ایالات متحده و قطر درگیری بین طرف‌های حاضر در خلیج فارس را کم می‌کند. محاصره رخ داده، قطر را وادار به تسلیم در برابر خواسته‌های این سه عضو نکرده است که شامل هرگونه تماس با اخوان المسلمین و بستن شبکه رسانه‌ای الجزیره است. در مقابل، قطر روابط دوجانبه خود را با ترکیه و ایران تقویت کرده است در حالی که بخش صنعتی و کشاورزی این کشور با نام تجاری «Made in Qatar» با افزایش ناسیونالیسم قطری روبرو شده است (Mogielnicki, 2018:15). همه این موارد نشان از محاسبه اشتباه در محاصره اقتصادی قطر است؛ چراکه از یکسو این محاصره کارا نبوده است و از سوی دیگر روابط این کشور با ایران و ترکیه نیز تقویت شده است.

همچنین با نگاهی به چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر درمی‌یابیم که مفهوم توسعه از اهمیت بالایی برای دولت برخوردار است. به طوری که ۷۶ مرتبه از این واژه استفاده شده است. در قسمتی از آن بیان شده است: «توسعه یک اقتصاد رقابتی و متنوع که قادر به برآورده ساختن نیازها و حفظ سطح بالایی از زندگی برای تمام مردم حاضر و آینده است» (Qatar National Vision 2030, 2008: 9). مفهوم توسعه در این چشم‌انداز دارای حوزه‌های مختلفی است اما بیشتر حوزه توسعه اقتصادی و توسعه پایدار را پوشش می‌دهد.

از سویی دیگر به نقش دولت در همکاری‌های بین‌المللی در این چشم‌انداز اشاره شده است و اهمیت آن را در سیاست خارجی این کشور نشان می‌دهد. برای نمونه موضوعاتی همچون «کمک به برقراری صلح و امنیت بین‌المللی از طریق ابتکارات سیاسی و کمک‌های توسعه‌ای و انسان دوستانه» و «قطر به عنوان یک عضو مسئول جامعه بین‌المللی، به دستیابی امنیت و صلح بین‌المللی کمک خواهد کرد و تعهدات بین‌المللی خود را برآورده خواهد کرد» (Qatar National Vision 2030, 2008: 22) در این چشم‌انداز به چشم می‌خورد.

1. QFAP

## توجه به ساختار نظام بین‌الملل (امنیتی-دفاعی و علمی-آموزشی)

در سال‌های گذشته رهبران قطر با ایالات متحده برای تأمین امنیت خلیج فارس همکاری مانند دیگر رهبران شورای همکاری خلیج فارس کرده‌اند. ایالات متحده و قطر یک توافقنامه رسمی همکاری دفاعی<sup>۱</sup> داشته‌اند که بر اساس آن با حضور نیروهای آمریکایی در قطر موافقت به عمل آمده است در مقابل ایالات متحده متعهد به فروش تسلیحات نظامی، آموزش‌های نظامی و دیگر همکاری‌های نظامی شده است. بر اساس این توافقنامه، قطر میزبان بیش از ۸۰۰۰ نیروی آمریکایی و ستاد منطقه‌ای فرماندهی مرکزی ایالات متحده<sup>۲</sup> در تأسیسات مختلف نظامی از جمله پایگاه هوایی بزرگ العدید<sup>۳</sup> است.

نیروهای آمریکایی مستقر در این تأسیسات در عملیات در سراسر منطقه شرکت می‌کنند. قطر خریدار مهم تسلیحات ساخت آمریکا از جمله هواپیماهای جنگی است. در ژانویه ۲۰۱۸، قطر و ایالات متحده «گفتگوی راهبردی» را آغاز کردند که شامل تلاش برای بهبود وضعیت اسکان پرسنل آمریکایی مستقر در پایگاه هوایی العدید بود. در سال ۲۰۱۷، ایالات متحده و قطر یک تفاهم‌نامه گسترده برای همکاری علیه تروریسم بین‌المللی امضا کردند (Katzman, 2021: 4).

بیشتر پرسنل نظامی آمریکا در قطر پرسنل نیروی هوایی آمریکا هستند که در پایگاه هوایی بزرگ العدید در جنوب غربی دوحه مستقر هستند. پایگاه العدید همچنین میزبان مقر اصلی CENTCOM است. پرسنل آمریکایی مستقر در قطر در عملیات‌های ایالات متحده مانند عملیات OIR<sup>۴</sup> علیه دولت اسلامی (داعش) و عملیات Freedom's Sentinel در افغانستان شرکت کردند و آن‌ها سعی کردند توانایی خود را به ایران نشان دهند. در رابطه با تنش‌های آمریکا و ایران از اواسط سال ۲۰۱۹، ایالات متحده هواپیماهای جنگی F-22 را در العدید مستقر کرد (Washington Post, 2019).

طی دو دهه گذشته، قطر ترکیب سلاح‌های خود را بیشتر به سمت تجهیزات ساخت آمریکا تغییر داده است. بر اساس اسناد همکاری‌های نظامی وزارت خارجه آمریکا، ایالات متحده ۲۵ میلیارد دلار تحت سیستم فروش نظامی خارجی<sup>۵</sup> (FMS) در پرونده‌های فروش تسلیحات به دولت قطر فعالیت داشته است و از سال ۲۰۱۴ ایالات متحده مجوز صادرات دائمی بیش از ۲٫۸

1. DCA
2. CENTCOM
3. Al Udeid Air Base
4. Operation Inherent Resolve
5. Foreign Military Sales

میلیارد دلار تسلیحات دفاعی به قطر از طریق فرایند فروش مستقیم تجاری<sup>۱</sup> (DCS)، تحت توافقنامه رسمی همکاری دفاعی پیگیری نموده است (Katzman, 2021: 14).

## خریدها و توافقات نظامی دولت قطر

جدول ۱

موضوع قرارداد	تاریخ امضا	ارزش قرارداد
خرید ۷۲ فروند F-15 از ایالات متحده	۱۷ نوامبر ۲۰۱۶	۲۱ میلیارد دلار
خرید ۲۴ فروند هواپیمای Rafale ساخت فرانسه	مه ۲۰۱۵ و تحویل در ۲۰۱۹	۷ میلیارد دلار
خرید ۲۴ فروند هواپیمای جنگی Typhoon انگلستان	سپتامبر ۲۰۱۷	-
خرید بالگردهای ایالات متحده UH-60 M، AH-64 Apache، MH-60 و Blackhawk	۹ آوریل ۲۰۱۸	۶٫۶ میلیارد دلار
شناورهای دریایی؛ خرید تعداد مشخصی از قایق‌های گشت سریع Mk-V ساخت آمریکا	۲۰۱۶	۱۲۴ میلیون دلار
خرید سیستم دفاع موشکی بالستیک (BMD) و خرید سامانه Patriot Configuration 3 (PAC-3) ساخت آمریکا	۲۰۱۲	۱۰ میلیارد دلار
خرید موشک‌های هوا به زمین قطر Hellfire، موشک‌های هدایت‌شونده از نوع Javelin، سیستم موشکی توپخانه Mobil High Mobility M142 (HIMARS)، سامانه موشکی تاکتیکی ارتش (ATACMS)، سیستم موشکی پرتابگر هدایت‌شونده M31A1 از ایالات متحده	۲۰۱۶-۲۰۱۲	۶۶۵ میلیون دلار
خرید ۴۰ سامانه موشکی پیشرفته سطح به هوا (NASAM) ایالات متحده	۲۰۱۸	۲۱۵ میلیون دلار

منبع: حاکمیت، امنیت و سیاست ایالات متحده سرویس تحقیقات کنگره - ۲۰۲۱

در حوزه علمی-آموزشی یکی از مؤلفه‌هایی که در چشم‌انداز ۲۰۳۰ قطر بدان اشاره شده است در حوزه فعالیت‌های علمی و فرهنگی بوده است. در حوزه فرهنگی قطر با پایبندی بر اصول فرهنگ اسلامی-عربی سعی در توسعه فرهنگی روز این کشور و ارتقای سطح فرهنگی مردم این کشور دارد. به همین جهت دولت قطر هدف از این کار را هم جذب توریسم و سرمایه‌گذاری خارجی در نظر گرفته و از سوی دیگر ارتقای فرهنگ عمومی اتباع این کشور را لحاظ قرار داده است (Qatar National Vision 2030:13).

همچنین با بررسی در روند کاری دولت این کشور به این نکته پی می‌بریم که هدف دولت از این سیاست چیزی است که سازمان جهانگردی قطر آن را «گردشگری پایدار»<sup>۳</sup> خوانده است. برای این منظور تعدادی پروژه فرهنگی در دوحه احداث شده است که از جمله آن‌ها؛ موزه ملی

1. Direct Commercial Sales

2. Governance, Security, and U.S. Policy. Congressional Research Service- 2021

3. sustainable tourism

قطر، موزه هنرهای اسلامی، کتابخانه ملی قطر و موزه عکاسی قطر با احداث استراحتگاه‌های تفریحی ساحلی در الفریج<sup>۱</sup> و المفجر<sup>۲</sup>، سرانجام توسعه خط ساحلی قطر آغاز شد (www.fanack.com, December 20, 2018).

از سوی دیگر دولت قطر در حوزه علمی نیز در سال‌های گذشته با احداث دانشگاه‌های مدرن و جذب اساتید از کشورهای مختلف جهان تلاش زیادی در ارتقای جایگاه علمی و پژوهشی این کشور در میان دیگر همسایگان خود داشته است. این کشور در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی تلاش داشته تا ضمن ایجاد زیرساخت‌های آموزشی و افزایش امکانات دانشگاهی، علاوه بر کمک به ارتقاء سطح علمی-آموزشی قطر، زمینه‌های گسترش ارتباطات آموزشی با خارج از کشور را فراهم نماید (Booyesen, 2020: 197).

بر اساس همین چشم‌انداز مراکز آموزشی با تکنیک‌ها و شیوه‌های مختلف مثل پروژه بین‌المللی «پل اکادمیک (ABM)» و «برنامه جامع بزرگ‌ترین اطلس جهان اسلام» با دانشگاه‌های معتبر بین‌المللی همکاری نموده و در خلال تعاملات علمی-دانشگاهی به جذب استعدادها و جوانان کشورهای منطقه مبادرت می‌نمایند. این رویکرد می‌تواند زمینه جذب دیگر کشورها را در پی داشته باشد و قطر را به‌عنوان الگو در میان کشورهای منطقه مطرح کند و از سوی دیگر زمینه‌های شکل‌دهی حوزه نفوذ اجتماعی قطر را در دیگر جوامع افزایش می‌بخشد (Qatar National Vision 2030:15). قطر تاکنون ۱۳ دانشگاه بزرگ تأسیس نموده است که مهم‌ترین آن جرج تاون و کلگری است. این مسئله نشان از اهمیت بالای مسئله آموزش در چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور است.

دولت قطر همراه نهادهای دانشگاهی بین‌المللی به‌منظور ارتقای سیستم آموزشی به‌عنوان پایه محوری در توسعه‌یافتگی تعریف «پروژه‌های آموزشی در دوران جدید» را طرح‌بندی کرده است. این پروژه به‌نظام آموزشی قطر این اجازه را می‌دهد ضمن ارتباطات پیوسته با نهادهای آموزشی بین‌المللی، نیازهای سیستم آموزشی - پژوهشی قطر را شناسایی کند و متناسب با آن نیازهای موجود داخلی را برطرف نماید که به‌نوعی بر مبنای استراتژی تخصصی محور شدن سیستم آموزش است (Wand, 2016: 164).

### موازنه هوشمند و میانجی‌گری فعال

قطر از منابع مالی فراوان خود برای حمایت از سیاست خارجی استفاده می‌کند و در این زمینه تلاش دارد تا طیف وسیعی از بازیگران منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. سیاست‌های قطر این امکان را به این کشور می‌دهد که در برخی درگیری‌های منطقه‌ای میانجیگری کند و همچنین در

1. al-Fareej
2. al-Mafjar
3. Education For a new Era (EFNE)

برخی مواقع از بازیگران منطقه‌ای که در تضاد با دیگر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند، حمایت کند. قطر نیز گاهی از نیروهای نظامی خود برای مداخله در درگیری‌های منطقه‌ای استفاده کرده است. چنانچه که مسائل منطقه‌ای و دوجانبه محور برخی جلسات سطح بالای آمریکا و قطر بوده است (Katzman, 2021: 8).

قطر درصدد ایجاد یک اتحاد گسترده با اخوان المسلمین پیش از بیداری اسلامی بوده است که پس از این رخداد، گسترش یافت. هدف قطر نیز، گسترش منطقه‌ای ایدئولوژی اخوان و نفوذ گسترده آن در جوامع عربی بوده است که به قدرت رسیدن آن‌ها فرصتی را برای سیاست بلندپروازانه قطر برای افزایش نفوذ و گسترش در منطقه فراهم کرد. عربستان سعودی و امارات متحده عربی این مسئله را به‌عنوان یک تهدید واقعی علیه خود می‌دانستند و احساس می‌کردند که انقلاب‌ها و بهار عربی به جوامع آن‌ها سرایت می‌کند (Roberts D. B. 2019: 4).

مهم‌ترین دلیل اختلاف در شورای همکاری خلیج فارس رابطه قطر با جنبش‌های اخوان المسلمین بوده است. مقامات قطری معتقدند که اخوان المسلمین یک جنبش اسلامی سیاسی معتدل است که می‌تواند ثبات منطقه‌ای را از طریق مشارکت در روند سیاسی مشروع تقویت کند. رهبران امارات متحده عربی ادعا می‌کنند که اخوان المسلمین به دنبال بی‌ثباتی دولت‌های مستقر در منطقه است. در سال ۲۰۱۴، اختلافاتی در این مورد و دیگر مسائل فاش شد و عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین سفیران خود را از دوحه خارج کردند و چند ماه بعد پس از آنکه قطر متعهد به اجرای تعهد نوامبر ۲۰۱۳ برای پایان حمایت از سازمان‌های مرتبط با اخوان المسلمین شد، آن‌ها را به این کشور بازگرداند (Katzman, 2021: 8).

بحران دیپلماتیک با قطر - که پیش از این منجر به فراخواندن سفیران بحرین، امارات و عربستان در مارس ۲۰۱۴ شده بود و حل آن هشت ماه به طول انجامید - در سال ۲۰۱۷ مجدداً به شدت افزایش یافت. این بحران موجب شد تا درگیری پیشین که از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۳ اتفاق افتاده بود؛ مجدداً آغاز شود. عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر روابط دیپلماتیک خود را با قطر قطع کردند و محاصره کامل زمین دریا و هوا را اعمال نمودند همچنین همه شهروندان قطری را از کشورهای خود اخراج کردند. این چهار کشور با متهم کردن نقض وعده‌های گذشته قطر، با اشاره به معاهدات ریاض و توافقنامه ۲۰۱۳-۲۰۱۴، محاصره را آغاز کردند. در آن زمان از قطر خواسته شده بود به استراتژی سیاست خارجی کشورهای همسایه خود بپیوندد و از حمایت بازیگرانی که خطری برای امنیت داخلی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند، دست بردارد (Prasanta, 2017: 244-245).

قطر از دولت کوتاه‌مدت اخوان المسلمین در مصر در سال‌های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ حمایت کرده و پول و سلاح به شبه‌نظامیان وابسته به اخوان المسلمین و دیگر شبه‌نظامیان اسلام‌گرا در لیبی و

سوریه ارائه کرده است. قطر همچنین از سوی شورای همکاری خلیج فارس متهم شد که با کمک به جنبش حوثی‌های وابسته به ایران، از داخل علیه ائتلاف عربی در یمن فعالیت نموده است. همچنین در لیبی، قطر به همراه ایالات متحده و شورای همکاری خلیج فارس در عملیات هوایی برای برکناری معمر قذافی رهبر لیبی در سال ۲۰۱۱ همکاری داشته است. هرچند قطر با مشارکت ترکیه، از دولت تحت حمایت سازمان ملل در طرابلس حمایت کرده است که جناح‌های وابسته به اخوان المسلمین از آن حمایت می‌کنند. در مقابل امارات متحده عربی، مصر و عربستان سعودی از فرمانده سابق ارتش ژنرال حفتر حمایت می‌کنند که کنترل بخش‌های وسیعی از شرق و شمال لیبی را در دست گرفته است و در سال ۲۰۱۹ تلاش کرد کنترل طرابلس را به دست بگیرد (U.N. Security Council, 2020).

در یمن در سال ۲۰۱۵، قطر به ائتلاف نظامی تحت رهبری عربستان برای نبرد با شورشیان شیعه حوثی تحت حمایت ایران، از جمله استقرار حدود ۱۰۰۰ پرسنل نظامی به همراه تجهیزات، برای محافظت از مرزهای سعودی در برابر حملات حوثی‌ها پیوست. نیروی هوایی قطر نیز حملات هوایی به حوثی‌ها انجام داد. در نتیجه شکاف درون شورای همکاری خلیج فارس در اواسط سال ۲۰۱۷ قطر از مأموریت خود خارج شد (Katzman, 2021: 9).

از اوایل دهه ۲۰۰۰، قطر به‌عنوان یک میانجی خنثی بین طرفین اختلاف در بسیاری از مناطق ظاهر شده و طی سال‌ها شهرت وسیعی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورده است. میانجیگری قطر از اعتبار بالایی برخوردار شده و موضوع توجه جهانی شده است. دوحه به‌عنوان مرکز اصلی حل و فصل منازعات در منطقه تبدیل شده است، زیرا در مسائل مهم منطقه‌ای و بین‌المللی واسطه بوده است. به‌عنوان مثال در لبنان، یمن، دارفور و لیبی تا افغانستان، از عراق تا بحران پرستاران بلغاری در لیبی، همچنین بین فتح و حماس، روابط سودان و چاد و بین فرانسه و سوریه (Nuruzzaman M. 2015: 541-542).

اوج سیاست موازنه هوشمند و میانجی‌گری فعال را باید در عملکرد قطر در سال‌های گذشته دید. این کشور سیاست خارجی خود را از اسلام‌گرایان، از جمله اخوان المسلمین معتدل سوری<sup>۱</sup> (SMB) دنبال می‌کرد در حالی که با ایران نیز در مورد سوریه مذاکره داشته است. قطر میزبان بیشترین تعداد نیروهای نظامی ایالات متحده (ایالات متحده) در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه است در حالی که روابط صمیمانه‌ای با ایران دارد. قطر میزبان یک دفتر تجاری اسرائیل برای بیش از یک دهه در این کشور است، از سوی دیگر میزبان جنبش مقاومت فلسطین حماس است (edition.cnn.com, 2017).

قطر برای آنکه بتواند رقیبان خود را شکست دهد سیاست موازنه هوشمند و میانجی‌گری فعال در پیش گرفته است. شبکه روابط دیپلماتیک کشورهای متضاد را گرد هم آورد در حالی که این

## 1. Syrian Muslim Brotherhood



کشور یک اتحاد سیاسی و نظامی با ایالات متحده ایجاد کرد. در مقابل، روابط سیاسی و تجاری با ایران حفظ کرد و کانال‌های ارتباطی با طالبان را باز کرد. این کشور میزبان رهبران حماس بود و برعکس، روابط خود را با اسرائیل برقرار کرد. مقامات قطری تلاش کرده‌اند این تعادل و باز بودن را برای همه حفظ کنند. به همین ترتیب، دولت یک رویکرد منطقی و آرام برای حل اختلافات با مخالفان اتخاذ کرد. با وجود اختلافات مکرر با برخی از کشورهای عربی، به‌ویژه عربستان سعودی، امارات و مصر، قطر به آداب‌ورسوم، تاریخ و ریشه‌های مشترک احترام گذاشته و برای حل بحران‌ها همکاری کرده است (Kabalan, 2018: 34).

دوچه پس از تجاوز صدام به کویت، سیاست بی‌طرفی و میانجیگری را در دستور کار خود قرار داد و همین عامل موجب خشم عرفات از قطر و تحریک این کشور به نزدیکی با رژیم صهیونیستی شد. از همین رو در نوامبر ۱۹۹۱ با حضور در کنفرانس مادرید به تدریج به اورشلیم نزدیک شد. در آوریل ۱۹۹۳ شیمون پرز نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی وارد قطر شده و در همان سال با افتتاح دفتر نمایندگی تجاری در دوچه در سال ۱۹۹۶، قطر به عنوان اولین کشور عربی حاشیه خلیج فارس روابط غیررسمی خود را با رژیم صهیونیستی در حوزه تجارت آغاز کرد. الی آویدر<sup>۱</sup> (نماینده وقت دفتر تجاری رژیم صهیونیستی در قطر) این دفتر همچون سفارتخانه عمل می‌کرد با این تفاوت که برافراشتن پرچم رژیم صهیونیستی در آن ممنوع بود (Yaari, 2020: 25). دفتر بازرگانی از زمان درگیری اسرائیل و حماس در سال ۲۰۰۹ بسته شده است، اما سطح کمی از تجارت مستقیم اسرائیل و قطر و همچنین بازدید مقامات امنیتی اسرائیل، ورزشکاران، پزشکان و دیگر اسرائیلی‌ها از دوچه ادامه دارد.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ این کشور در چارچوب وظایف منطقه‌ای آن است که خود را متعهد به نقش‌آفرینی و حضور در سازمان‌های منطقه‌ای و ارتباط با کشورهای منطقه می‌داند. «قطر نقش مهم و سازنده‌ای را در منطقه، به‌ویژه در چارچوب شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و سازمان اجلاس اسلامی ایفا می‌کند» (Qatar National Vision 2030, 2008: 17). همچنین در حوزه توسعه اجتماعی وظایف خود را در حوزه منطقه‌ای نمایان می‌سازد: «نقش منطقه‌ای در منطقه از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، به‌ویژه در چارچوب شورای همکاری خلیج، اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی، افزایش یافته است» (Qatar National Vision 2030, 2008: 20).

## تأثیر الگوهای سیاست خارجی قطر بر روابط با ایران

رهبران قطر به‌طور مداوم با ایران برای کاهش تنش‌های منطقه‌ای گفتگو دارند و هم‌زمان با تلاش‌های آمریکا برای مقابله راهبردی با ایران همکاری می‌کنند. در فوریه ۲۰۱۰، شیخ تمیم

1. Eli Avidar

به‌عنوان ولیعهد، برای مذاکره با رهبران ایران به این کشور سفر کرد. قطر سفیر خود را در ژانویه ۲۰۱۶ در جریان اختلاف عربستان و ایران بر سر اعدام یک روحانی مخالف شیعه از سوی عربستان از تهران خارج کرد (Katzman, 2021: 10).

ایران با صادرات مواد غذایی به قطر و اجازه دادن به پروازهای هوایی قطر، سعی در این داشت تا در شورای همکاری خلیج فارس شکاف ایجاد نماید. در مقابل، هواپیمایی قطر سالانه بالغ بر ۱۳۰ میلیون دلار هزینه پروازهای خود را به ایران پرداخت کرده است. از طریق دیدارهای متقابل مقامات عالی‌رتبه، قطر و ایران به دنبال کاهش تنش‌های آمریکا و ایران در خلیج فارس در سال ۲۰۱۹ بودند.

در ۵ ژوئن ۲۰۱۷، کشورهای چهارگانه عربستان سعودی، بحرین، امارات و مصر محاصره هوایی، زمینی و دریایی را بر قطر اعمال کردند. قطر با تهدیدهای داخلی و خارجی ناشی از محاصره، از جمله مجموعه‌ای از چالش‌های مالی و تجاری، از طریق توازن همه‌جانبه مقابله کرد که به این کشور اجازه داد با شرکای متعددی از جمله ایران درحالی‌که به دنبال خاتمه محاصره است همکاری کند.

از سوی دیگر تلاش‌های دولت قطر جهت عادی سازی روابط با اسرائیل در ژوئن ۲۰۱۷ و پس از تحریم توسط عربستان سعودی به سرانجام نرسید، زیرا این رژیم علاوه بر حمایت از اقدام عربستان، دفتر الجزیره قطر را در اسرائیل بست و خواستار اخراج مسئولان الجزیره از آنجا شد. در سال ۲۰۱۸ نیز محمد العمدادی (فرستاده ویژه قطر) و آیگدور لیبرمن (وزیر دفاع رژیم صهیونیستی) با یکدیگر دیدار کردند. با همه این اوصاف عدم توافق طرفین بر سر مسئله فلسطین (مسئله دولت فلسطین) باعث شد تا روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی بین دو کشور عادی نشود (al-monitor.com, 2018). این همزمانی فرصت جدیدی در اختیار ایران قرار داد تا روابط خود را با این کشور نزدیکتر نماید.

درحالی‌که کشورهای عربی و همسایه قطر، این کشور را از هر طرف محاصره کرده بودند، فضای هوایی ایران به عنوان مسیر جایگزین برای رفع محاصره هوایی قطر در نظر گرفته شد و با توجه به بهره برداری از میدان گازی مشترک، روابط میان ایران و قطر بیش از پیش افزایش یافت. در واقع نتیجه آن شد که روند محاصره، دوحه را به تهران نزدیک کرد و برداشت‌های قطر مبنی بر اینکه تهدید فوری برای امنیت کشورش از همسایگان شورای همکاری خلیج فارس و نه ایران ناشی می‌شود، را تقویت کرد. اگرچه یکی از اهداف اصلی ریاض و ابوظبی برای محاصره، اجبار قطر به کاهش روابط خود با ایران بود، اما دوحه و تهران از زمان آغاز بحران خلیج فارس روابط دوجانبه خود را تعمیق بخشیده‌اند و همبستگی تهران با دوحه بیشتر شد. در بحبوحه لفاظی‌های طرف‌های مناقشه (عربستان و متحدانش)، ایران محموله‌های غذایی را برای کمک به دوحه در جلوگیری از بحران امنیت غذایی فراهم کرد. صادرات ایران به قطر از ۶۰ میلیون

دلار بین ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ به ۲۵۰ میلیون دلار بین ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ افزایش یافت. هوایمایی قطر با استفاده از حریم هوایی ایران موفق به ادامه فعالیت خود شد.

ایران در سال‌های گذشته دریافته است که قطر سعی دارد تا با همه دولت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی که منافع آن را تأمین می‌کند رابطه برقرار نماید. برای مثال قطر که چتر امنیتی آمریکا را انتخاب می‌کند - درحالی‌که از طرف دیگر روابط دوستانه با ایران و اسلام‌گرایان منطقه رابطه دارد (kamrava, 2017: 12). چنانچه ایران نیز کاملاً به این موضوع واقف است که قطر روابط حسنه با اسرائیل دارد و از سوی دیگر نیز این رابطه را با فلسطین دارد و توانسته موازنه ایجاد نماید.

همان‌طور که در خصوص الگوهای سیاست خارجی این کشور بیان داشتیم، یکی از آن‌ها تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و ساختار نظام بین‌الملل است. این موضوع بدین‌صورت است که چنانچه شورای امنیت و یا ایالات متحده تصمیم به تحریم ایران داشت، این کشور مطابق به این سیاست، ایران را تحریم خواهد نمود (در سال‌های مورد مطالعه همین اتفاق رخ داده است). هرچند در سال‌های محاصره قطر، ایران در کنار این کشور بوده است و سعی داشته است که به آن کمک نماید.

از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین الگوهای سیاست خارجی قطر که بدان اشاره شد موازنه هوشمند و میانجیگری فعال است. دولت قطر با توجه به این الگو سعی داشته در روابط خود با ایران از یک سو و ایالات متحده و اسرائیل از سوی دیگر توازن ایجاد نماید. بررسی روند روابط این دولت با ایران نشان می‌دهد که به خصوص در سال‌های پس از محاصره قطر این روابط با ایران گسترده‌تر شده است و ایران نیز از فرصت به دست آمده سعی کرده تا از روند عادی سازی روابط این کشور با اسرائیل نیز جلوگیری نماید.

دولت قطر سعی داشته است در بین سال‌های مورد مطالعه هم بر جنبه نرم و سخت قدرت در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی خود بهره‌گیری نماید. به بیان دیگر بهره‌جستن از قدرت هوشمند است که در چارچوب نظری این پژوهش بدان اشاره شده است. از سوی دیگر هر ۴ الگویی که در این پژوهش بدان اشاره شده است در چارچوب همان نظریه قرار می‌گیرد.

## نتیجه‌گیری

سیاست معاصر شاهد کشمکش‌های فراوانی بوده است، گاه جغرافیایی و سیاسی و گاه بر سر ثروت و نفوذ. به‌عنوان مثال، مبارزه هژمونی بین عربستان سعودی و ایران، نقش بی‌سابقه در میانجیگری و حل‌وفصل اختلافات برای سیاست خارجی قطر فراهم کرده است. از این حیث، کشور کوچک در نقشه جغرافیایی تأثیر محسوسی بر نقشه سیاست بین‌الملل پیدا کرده است. دولت قطر از ابتدای تأسیس سعی داشته در کنار اتحاد با شرکای منطقه‌ای و بین‌المللی یک نوع سیاست

مستقل را در پیش بگیرد. این سیاست در دوران حمد و محمد بن زاید تشدید شده است. این نوع سیاست را شاید با عنوان ساخت نوعی برند ملی بتوان تعریف نمود.

این پژوهش در جهت فهم بهتر سیاست خارجی قطر، سعی داشته تا الگوهایی را در این خصوص استخراج نماید. بدین ترتیب پرسش اصلی پژوهش نیز بر مبنای مهمترین الگوهای سیاست خارجی قطر می باشد و بر اساس آن یافته های این پژوهش شامل چهار الگو در سیاست خارجی قطر بوده است که عبارت‌اند از؛ تأکید بر هویت اسلامی و دیپلماسی رسانه‌ای در جهان اسلام، تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی، توجه به ساختار نظام بین‌الملل (امنیتی-دفاعی و علمی-آموزشی)، موازنه هوشمند و میانجیگری فعال. همچنین در ادامه سعی شده بود تا تأثیر این الگوها را بر روابط این کشور با ایران بررسی نماییم. علاوه بر این نتایجی که در این پژوهش بدست آمده است به فرضیه پژوهش نزدیک بوده است که به شرح ذیل است؛ تأکید بر هویت اسلامی و دیپلماسی رسانه‌ای در جهان اسلام یکی از الگوهایی است که دولت سعی نموده است بر اساس یکی از مهم‌ترین بازوهای خود یعنی الجزیره در جهت جذب مخاطبان منطقه‌ای و بین‌المللی حرکت کند. همان‌طور که در چارچوب مفهومی پژوهش نیز بدان اشاره شده است، ابزار رسانه‌ای سنگ بنای قدرت نرم در حوزه سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که رهبران قطر در دو دهه گذشته به‌طور پیوسته به این ابزار متوسل شده‌اند. این الگو را نیز باید بر اساس نظریه قدرت نرم بررسی نمود، چراکه بدون دخالت قدرت سخت و سنتی، سعی در القا عقاید و تفکرات خود را در کشورهای متبوع دارد. از این نظر، می‌توان ادعا کرد که قطر یک شبکه گسترده با شخصیت‌ها و سازمان‌های رسانه‌ای ایجاد کرده است. از طریق این مجموعه رسانه‌ای تأثیر قابل توجهی گذاشت که توانست همه رویدادهای سیاسی را در جهت مقاصد خود هدایت کند. علاوه بر این، شبکه الجزیره به ستون اصلی سیاست خارجی قطر تبدیل شده است و دولت به‌عنوان بخشی از ابزارهای مذاکره با مخالفان خود بر آن تکیه کرده است.

تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی، توجه به ساختار نظام بین‌الملل، دو الگوی دیگری هستند که در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-آموزشی سیاست خارجی دولت قطر نمایان می‌شوند. قطر قصد دارد نقش منطقه‌ای و بین‌المللی خود را تقویت کند و از دستاوردهای سیاسی و نفوذ وسیعی که در سال‌های گذشته به دست آورده است، دفاع نماید. به‌سختی می‌توان انتظار داشت امیر تمیم بن حمد از استراتژی بلندپروازانه و سیاست خارجی توسعه طلبانه خود عقب‌نشینی کند.

اما مهم‌ترین الگوی سیاست خارجی قطر در سال‌های گذشته، موازنه هوشمند و میانجیگری فعال بوده است. بخشی از این رویکرد را باید در چارچوب قدرت نرم این کشور دید و بخش دیگر در حوزه قدرت سخت (همان‌طور که در چارچوب نظری نیز بدان اشاره شده است قدرت هوشمند می‌تواند هر دو نظریه را نیز پوشش دهد). بدون شک، سیاست خارجی قدرت نرم، پس

از به قدرت رسیدن امیر تمیم سرعت گرفت و به‌عنوان قدرت منطقه‌ای بانفوذ تقویت شده است. تنش و درگیری میان قطر و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس پس از حمایت دولت قطر از اخوان المسلمین در مصر و رویکرد کلی این کشور به بیداری اسلامی پدیدار شد. قطر در حالی که میزبان رهبران حماس است، روابط دیپلماتیک و اقتصادی خود را با اسرائیل حفظ می‌کند. علیرغم اتحاد با ایالات متحده، این کشور با ایران برای اهداف رسانه‌ای و سیاسی ارتباط برقرار می‌کند. به عبارت دیگر، اگر قطر با همه دوست نباشد، حداقل توانسته است همه طرف‌ها را به سمت خود جذب کند. این نوع سیاست را از طریق موازنه هوشمند پیاده‌سازی می‌کند. همچنین در تأثیر الگوهای سیاست خارجی قطر بر ایران نیز باید افزود؛ همان‌طور که قطر خود را مقید به تبعیت از سرمایه‌داری جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی و توجه به ساختار نظام بین‌الملل می‌داند و سعی دارد با سیاست‌های جهانی پیش برود، دولت ایران نیز باید با درک این موضوع سیاست خارجی خود را مطابق الگوهای قطر پیش ببرد. همان‌طور که در بالا بدان اشاره شد، قطر روابط دوستانه‌ای با ایران و حماس دارد و در مقابل این روابط با ایالات متحده و اسرائیل نیز به صورت نزدیک در حوزه‌های سیاسی، امنیتی و اقتصادی برقرار است. چنانچه ایران می‌خواهد با این کشور کوچک روابط خود را در همه زمینه‌ها حفظ کند، باید بدون در نظر گرفتن روابط این کشور با دیگر بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی، مهم‌ترین ظرفیت‌ها را دریابد و در جهت آن‌ها حرکت نماید.

## References

- Page, Kogan (2004). Middle East Review 2003-04: The Economic and Business Report. Kogan Page Ltd. p. 169. ISBN 978-0749440664
- Katzman, Kenneth (2021). Qatar: Governance, Security, and U.S. Policy. Congressional Research Service, <https://crsreports.congress.gov>, R44533
- McGann, James G. "2019 Global Go to Think Tank Index Report" (2020). TTCSP Global Go To Think Tank Index Reports. 17. [https://repository.upenn.edu/think\\_tanks/17](https://repository.upenn.edu/think_tanks/17)
- Malsin, Jared (2017). "In the Eye of the Storm: Can Al Jazeera Survive the Gulf Crisis? Time, August 21, 2017
- The list of demands can be found at "List of demands on Qatar by Saudi Arabia, other Arab nations, Associated Press, June 23, 2017
- U.N. Security Council, Final Report of the Panel of Experts on Libya Established Pursuant to Resolution 1973 (2011), March 9, 2016. For information on the conflict in Libya, see CRS in Focus IF11556, Libya and U.S. Policy, by Christopher M. Blanchard.
- Prasanta K. Pradhan, "Qatar Crisis and Challenges to GCC Unity, Liberal Studies 2, no. 2 (December 2017): 244-45.

- David B. Roberts, "Qatar and the UAE: Exploring Divergent Responses to the Arab Spring," *Middle East Journal* 71, no. 4 (Autumn 2017): 560.
- Qatar Admits That It Is against the Arab Coalition in Yemen," *Al Arabiya*, July 19, 2017, <http://english.alarabiya.net/en/News/gulf/2017/07/19/Qatar-admits-that-it-is-against-the-Arab-coalition-in-Yemen.html>.
- Countries had signed military cooperation agreement firstly in 2007. See also Pala, "The Evolution of the Turkish–Qatari Relations," 48.
- Mohammed Osman, "Emir Was First Leader to Call Erdogan: Qatar Envoy," *The Peninsula*, July 18, 2016, <https://thepeninsulaqatar.com/news/qatar/387615/emir-was-first-leader-to-call-erdogan-qatar-envoy>.
- Ülkelere Göre Dış Ticaret (Foreign Trade with Regards to Countries)," *Turkish Statistical Institute*, accessed May 27, 2018, <https://biruni.tuik.gov.tr/disticaretapp/disticaret>. Zul? param1=4&param2=0&sitcrev=0&isicrev=0&sayac=5808.
- Mark Lynch, "How Trump's Alignment with Saudi Arabia and the United Arab Emirates Is Inflaming the Middle East" (Project on Middle East Political Science, October 2017), 33, [https://pomeps.org/wp-content/uploads/2017/10/POMEPS\\_GCC\\_Qatar-Crisis.pdf](https://pomeps.org/wp-content/uploads/2017/10/POMEPS_GCC_Qatar-Crisis.pdf).
- Mohammed Sergie, "Embattled Qatar Is Rich Enough to Get by for Another 100 Years," *Bloomberg Businessweek*, June 6, 2018, <https://www.bloomberg.com/news/articles/2018-06-06/a-year-later-iran-is-the-big-winner-of-the-qatar-embargo>.
- Adam Taylor, "As Trump tries to end 'endless wars,' America's biggest Mideast base is getting bigger," *The Washington Post*, August 21, 2019.
- Adam Schreck, "AP Interview: Qatar Energy Minister Wants 'Fair' Oil Price," *Associated Press*, May 24, 2016.
- Jessica Jaganathan, "Analysis: Qatar tightens global gas market grip with bold expansion moves," *Reuters*, March 16, 2021.
- Frank Kane, "Open Skies Dispute Between US and Gulf Airlines Escalates," *The National*, January 30, 2016.
- Booyesen, Hanlie "Qatar's Calculated Gamble on the Syrian Muslim Brotherhood," *The Regional Order in the Gulf Region and the Middle East*, [https://doi.org/10.1007/978-3-030-45465-4\\_7](https://doi.org/10.1007/978-3-030-45465-4_7), 199-215
- Robert Mogielnicki, "The New Economics of Qatar–Turkey Relations," *Middle East Institute*, August 30, 2018, <https://www.mei.edu/publications/neweconomics-qatar-turkey-relations>.

- Kabalan, M. (2018). The Gulf Crisis: The US Factor. *Insight Turkey*, 20(2), pp.33-50.
- Nuruzzaman, M. (2015b). Qatar and the Arab Spring: down the foreign policy slope. *Contemporary Arab Affairs*, 8(2), pp.226-238.
- Naier, Taha (2021). Qatar Soft Power: From Rising to the Crisis, *International Journal of Business and Applied Social Science (IJBASS)*, VOL: 7, ISSUE: 8, E-ISSN: 2469-6501
- Abdul-Nabi, Z. (2017). Al-Jazeera's Relationship with Qatar Before and After Arab Spring: Effective Public Diplomacy or Blatant Propaganda? *Arab Media & Society*, 24, pp.1-21.
- <http://i2.cdn.turner.com/cnn/2017/images/07/10/translation.of.agreementsupdated.pdf>.
- «Economy of Qatar», [www.fanack.com](http://www.fanack.com), December 20 2018. [https://fanack.com/qatar/economy/?gclid=CjwKCAjwqNnqBRATEiwAkHm2BEIGiqnvljC75BqBgOHJ0kBelstVBKkqjYWA2cqkn2UrbW2IWAC0UBoCWugQAvD\\_BwE](https://fanack.com/qatar/economy/?gclid=CjwKCAjwqNnqBRATEiwAkHm2BEIGiqnvljC75BqBgOHJ0kBelstVBKkqjYWA2cqkn2UrbW2IWAC0UBoCWugQAvD_BwE)
- Wand, P. A., (2016). Correlating information Centers to Emerging Knowledge-based Economies. *Middle East and North Africa*, P. 156- 172.
- Suzanne.2004.'smart power, foreign affairs', *Foreign Affairs*, march.
- Nye, J. S. 2011. *The Future of Power*. New York: Public Affairs.p 30.
- [https://mitvim.org.il/wp-content/uploads/Dr.\\_Michal\\_Yaari\\_-\\_Israel\\_and\\_Qatar\\_Relations\\_nurtured\\_by\\_the\\_Palestinian\\_issue\\_-\\_March\\_2020-1.pdf](https://mitvim.org.il/wp-content/uploads/Dr._Michal_Yaari_-_Israel_and_Qatar_Relations_nurtured_by_the_Palestinian_issue_-_March_2020-1.pdf)
- <https://www.al-monitor.com/pulse/originals/2018/10/israel-qatar-iran-hamas-avigdor-liberman-jason-greenblatt.html>